

بررسی کارنامه سی وهشتمین جشنواره فیلم فجر از نگاه منتقدان سینمایی

سینما جایی برای گفت‌وگو است نه قهر کردن



۱۱۰ ورزش

سرمربی تیم ملی کشتی آزاد:

سهمیه کامل المپیک را می‌خواهیم

گزارش قدس از کنفرانس پر حاشیه سرمربی تیم ملی

کسی نمی‌تواند مرا بخرد



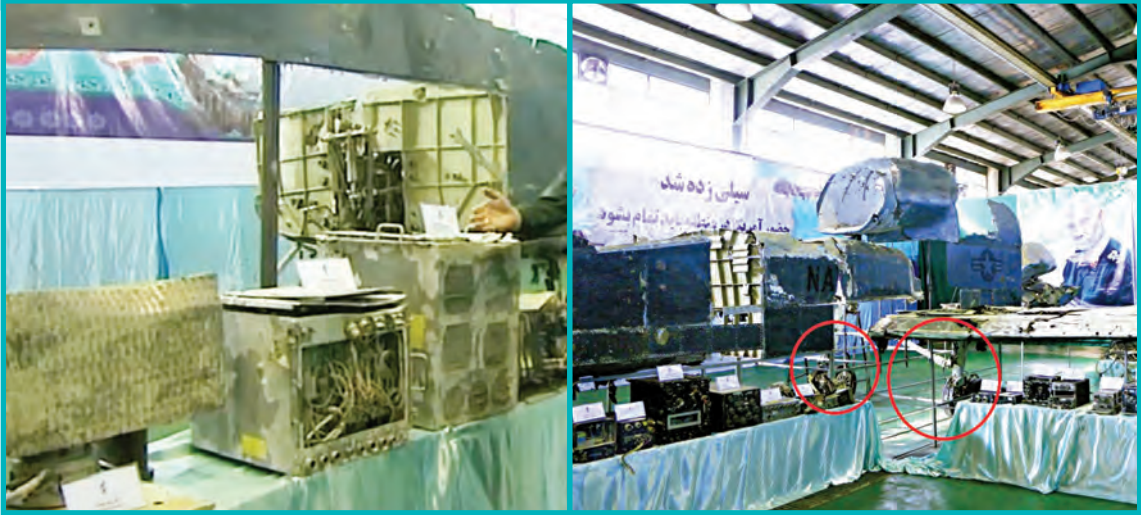
ادعای استقلالی‌ها کذب محض است

پاتوسی: فرهاد من را می‌خواست اما باشگاه نه!



ساقط کردن پهپاد پیشرفته آمریکایی چه دستاوردهایی برای ایران داشت؟

یک ضربه مغزی غیر ملایم!



یكشنبه ۲۷ بهمن ۱۳۹۸
۲۱ جمادی الثانی ۱۴۴۰
سال ۵۷ و سوم شماره ۲۰۷۰
۱۶ فوریه ۲۰۱۹
ZENDEHI@QUDSONLINE.IR

روایت مجازی

جشن ۲۵۰۰ ساله با حضور پرزیدنت



قدس زندگی: چند روز پیش فیلمی

از مراسم افتتاحیه پر سر و صدای ستاد انتخاباتی یکی از نامزدها که در حال حاضر هم نماینده مجلس شورای اسلامی است، در فضای مجازی منتشر شد و حواشی و جنجال‌های زیادی را در پی داشت. مراسم افتتاحیه ستاد

انتخاباتی آقای نماینده آن قدر پر زرق و برق است که به قول کاربران فضای مجازی اگر کسی به شما توضیح ندهد، احتمالاً گمان می‌کنید فیلم‌های مربوط به مراسم افتتاحیه المپیک یا جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی را تماشا می‌کنید!

این افتتاح پر سر و صدای ستاد انتخاباتی، حالا و پس از بازنشر گسترده در فضای مجازی، با واکنش‌های انتقادی کاربران مواجه شد. کاربران ضمن انتقاد شدید از راهاندازی نمایش تجملاتی و تبلیغاتی تعدادی از نامزدهای مجلس شورای اسلمی، خواستار نظارت دقیق‌تر و برخورد قاطع مراجع قانونی بر این گونه موضوعات شدند. در ادامه نمونه‌هایی از پست‌های کاربران را در واکنش به انتشار این ویدئو می‌خوانید:

مراسمی که (...) برگزار کرده یک جشن است. جشن تمسخر ارزش‌های عدالت‌خواهی. جشن دندان سیاه و چرک‌مرد سرمایه‌داری... آقای (...) این همه هزینه کرده که به مردم خدمت کنه؟ این هزینه‌ها چطور قراره به جیب ایشون برگرده؟ میشه از چنین نماینده‌ای انتظار شفافیت داشت؟... شاید نماینده خوبی برای مردم نباشه اما نشون داد که می‌تونه مسئول خوبی برای برگزاری جام جهانی و المپیک باشه... افتتاحیه جشن‌های دوهزار و پانصد ساله گجساران با حضور پرزیدنت (...)... من اصلاً کاری به جهت‌گیری‌های سیاسی ندارم، اما چرا باید یک نماینده میلیارد‌ها تومان برای رسیدن به کرسی مجلسی تلاش کند که حقوق چهار سال آن روی هم به یک میلیارد نمی‌رسد؟ این هزینه چطور جبران می‌شود؟ پاسخ همین سؤال را بدهید لطفاً... این فیلم مراسم افتتاحیه ستاد انتخاباتی نماینده‌ای است که شش‌هش ۱۸ هزار بیکار دارد. برخی از درمدمش به گفته امام جمعه در خانه‌های تنگ و نامناسب زندگی می‌کنند. مشکلات معیشتی بیداد می‌کند اما نماینده به فکر چنین مراسم لاکچری‌ای است. پول مردم کجا هزینه می‌شود؟

باور می‌کنید؟

مادر تر از مادر



فؤاد اگاه: ... دختر، ۱۴ یا ۱۵ سال

بیشتر نداشت که به خاطر شرایط ناجور مادی، خانواده مجبور شدند از روستا به تبریز بیایند. خواهر و برادرها ازدواج کرده بودند و «طیفه» تنها دختر خانواده بود. بیشتر روزها برای شستن لباس یا ظرف به چشمه آبی می‌رفت که سر کوچکشان

جاری بود و مردم از آن استفاده می‌کردند. همان سر چشمه، چند بار با زن جوانی چشم در چشم شد که رنگ به صورت نداشت و با دست‌های ظریف و نحیف بد زحمت می‌توانست کهنه‌های پچه‌هایش را بشوید. طیفه بالاخره یک روز طاق‌ت نیابور، دلش سوخت و کهنه‌ها را از مادر بیمار و نحیف گرفت و برایش شست. این ماجرا، هم مقدمه دوستی و همراهی هر روز با زن جوانی شد که با وجود بیماری سسل، نوزادی معلول داشت و یک فرزند کوچک و سالم دیگر و هم مقدمه‌ای برای پیشنهاد عجیب و غریب زن جوان به طیفه پیشنه‌دار از یک روز بی مقدمه از دهان زن شنید: طیفه... بیا با شوهر من ازدواج کن!»

باور کنید این چند سطر بالا، قصه نیست عین واقعیت است از زبان زنی که این روزها اگر چه ظاهر آنامادی است اما برای فرزندان تانتی‌اش، چند برابر یک مادر، مادری کرده است.

شروع این داستان را از زبان خودش بخوانید: «... تصمیم سختی بود، دلم آتش گرفته بود؛ شب و روز نداشت‌م که اگر گلزار خانم بمیرد پس تکلیف آن بچه‌ها چه خواهد شد؟ چند روز بعد از این اتفاق دوباره گلزار خانم را دیدم و به او گفتم چرا من را برای ازدواج با همسرت انتخاب کردی؟ تبسمی زد و گفت: چون تو مهریان هستی، تو نمی‌توانی ناملاری باشی یا به بچه‌هایی می‌محلی کنی... گریهام گرفت و به گلزار خانم گفتم که عمر دست خداست و شاید من زودتر از شما مرده‌ام امید نباش و به خاطر بچه‌هایت بچنگ، ولی او قبول نکرد و اصرار داشت که باید در زمان حیاتش از سرنوشت بچه‌ها مطمئن شود... مانده بودم که ماجرا را چگونه برای پدر و مادرم تعریف کنم، همه از دین و ایمان همسر گلزار خانم تعریف می‌کردند به خاطر همین دلم را به دریا زدم و قضیه را با خانواده‌ام درمیان گذاشتم... چند روزی پدرم احم کرده و با ترشروی با من برخورد می‌کرد ولی بعد که دربار حاج یونس (همسر گلزار خانم) تحقیق کرد، اجازه خواستگاری را داد... مادرم بارها به من می‌گفت که هم زن دوم می‌شوی و هم دو فرزند تاننی را قرار است نگه داری، ولی من تصمیمم را گرفته بودم و می‌خواستم گلزار خانم خیالش از بابت بچه‌ها راحت باشد... ۱۶

ساله بودم که به عقد حاج یونس وطنی در آمدم و خود گلزار خانم قند را بالای سرم سایدید زندگی فقیرانه‌ای داشتیم و گلزار خانم روز به روز حالش بدتر می‌شد، سعی می‌کردم آب در دلش تکان نخورد... خانم خانه او بود و اصلاً علاقه‌ای نداشت تا این شرایط عوض بشود؛ همین که گلزار نفس می‌کشید برایم دلگرمی بود... حسن عین تکه گوشتی می‌تحرک بود... هم دو بچه که یکی معلول بود را تر و خشک می‌کردم و هم خود گلزار خانم را یک سال و نیم گذشت و روزی که گلزار خانم نفس‌های آخرش را می‌کشید دستم را گرفت و زیر لب گفت، تو را به خدا سپردم و مریم و حسن را هم به تو، و هایشان نکن، مادرشان باش!»

امجد تربت‌زاده: تقریباً از همان روز اول هم معلوم بود که ماجرا برای آمریکایی‌ها فقط به همین جا ختم نمی‌شود. خرداد ماه گذشته که پهپاد پیشرفته و گرانیقیمت آمریکایی توسط پدافند ضدهوایی ایران، دچار ضربه مغزی غیر ملایم شد، اهمیت ماجرا فقط سرنگونی یک پهپاد غیرقابل شکار یا قدرت پدافندی ایران نبود. حتی وقتی نخستین تصاویر از تکه پاره‌های پهپاد آمریکایی که از اعماق دریا بیرون کشیده شده بود، مقابل دوربین‌ها به نمایش درآمد تا من و شما به قدرت پدافندی کشورمان افتخار کنیم، آمریکایی‌ها شاید چندان نگران حیثیت و یا بر باد رفتن اقتدار نظامی‌شان نبودند. آن‌ها اگر چه بروز نمی‌دادند اما بهدست نگران تکرار ماجرای «آرکیو-۱۷۰» بودند و البته به این امید داشتند که دستگاه‌های پیچیده و اطلاعات فنی پرنده پیشرفته‌شان، در انفجار از بین رفته و یا در اعماق دریا گم و گور شده باشد و دست کسی به آن نرسد.

آن که زودتر رسید

علاوه بر بهت زدگی آمریکایی‌ها در ساعات نخست اعلام خبر و یا عصبانیتی که رسانه می‌گفتند، ترمیم به آن دچار شده، پشت پرده اما نوعی دست‌پاچی هم انگار وجود داشت. خبرگزاری‌های آمریکایی نوشتند: «نیس جمهوری تازکین دو گزارش جدا و مفصل درباره نحوه و دلایل هدف قرار گرفتن پهپاد دریافت کرده و در حال بررسی آن‌هاست. پرزیدنت ترامپ در واکنش به این ماجرا گفته است ایران اشتباه بسیار بزرگی را مرتکب شده است» دیگر رسانه‌های آمریکایی هم از برگزاری یک نشست فوری در کاخ سفید خبر دادند. آن‌ها همچنین خبر دادند مقام‌های آمریکایی از اظهار نظر درباره محتوای این نشست خودداری کرده‌اند، اما به گفته منبع مطلع، هم «پاتریک شاناهان» سرپرست مستعفی وزارت دفاع آمریکا و هم «مارک اسیر» جانشین وی، در این نشست حضور دارند. منابع آگاه اعلام کردند، آمریکا در تلاش است تا قطعات باقی مانده از لاشه پهپاد سرنگون شده را یافته و جمع‌آوری کند.

نکته خیر هم‌ه‌سای آن روز همین جملات آخر بود که آمریکا دارد تلاش می‌کند قطعات هواپیما را یافته و جمع‌آوری کند. واضح است که وقتی اقتدار و ابرقدرتی آمریکا در منطقه‌ای از جهان هدف قرار می‌گیرد و متلاشی می‌شود، آن‌ها قرار نیست تکه پاره‌های این اقتدار و توان متلاشی شده را یافته تا مثلاً آن را سرهم کنند یا اینکه مانع نشوند ایران آن را در جایی به نمایش بگذارند. در ماجرای اخیر سقوط یا هدف قرار گرفتن هواپیماهایان در افغانستان نیز دیدید که آن‌ها مدعی شدند در سریع‌ترین زمان ممکن به منطقه رسیده و بقایای لاشه هواپیما را منهدم کرده‌اند! واقعیتی که در روزهای نخست کمتر کسی در فضای عمومی و هیجانی به آن توجه کرد، این بود که ممکن است اسرار و اطلاعات خاصی از دستگاه‌های فوق پیشرفته پهپاد آمریکایی به دست ایرانی‌ها بیفتند.

شکار فناوری

مرحله اول رونمایی از بقایا و لاشه ابرقدرتی آمریکا، فقط یک پیش‌نمایش بود تا خاطر مردم دنیا جمع شود که خبر، شایعه و یا ادعای ایران نیست و پهپاد جاسوس در کسی در فضای عمومی و هیجانی به آن توجه کرد، این بود که ممکن است اسرار و اطلاعات خاصی از دستگاه‌های فوق پیشرفته پهپاد آمریکایی به دست ایرانی‌ها بیفتند.

و منهدم نکرده است. عملیات شکار پرنده جاسوس، در واقع به دام انداختن فناوری‌های پیچیده و خاص هم بود. خبرگزاری‌های داخلی کم کم با تیتیر: «یکی از پیشرفته‌ترین رادارهای SAR دنیا به دست سپاه افتاد» شروع به اطلاع‌رسانی درباره دستاوردهای این ماجرا کردند و در شرح آن هم نوشتند: «با بررسی تخصصی و دقیق اجزای به نمایش درآمده توسط نیروی هوافضای سپاه، کلام مشخص است که یکی از قطعات بسیار مهمی که بدست نیروهای مسلح و صنایع دفاعی کشورمان افتاده، رادار خاص و بسیار پیشرفته نصب شده روی این پهپاد است که می‌تواند در آینده نزدیک، در توسعه نسل جدید رادارهای ایرانی بسیار مؤثر باشد». رادار مذکور، بخش حساس و ویژه پهپاد محسوب می‌شود و یک رادار آرایه فازی فعال با حالت‌های مختلف عملیاتی از جمله وضعیت SAR است که می‌تواند در شرایط مختلفی بسیار راهگشا باشد».

SAR یعنی چه؟

اطلاعات منتشر شده درباره سیستم‌های راداری می‌گویند: «براساس یک تقسیم‌بندی کلاسیک، رادارهای تصویر گر را می‌توان به دو دسته بزرگ یعنی رادارهای آرایه – حقیقی (RAR) و رادارهای آرایه – ترکیبی (SAR) تقسیم‌بندی کرد که هر کدام ویژگی‌ها و اهمیت خاص خود را دارند. رادارهای اخیر رادارهای روزنه مصنوعی یا همان سار (Synthetic Aperture Radar) توسعه چشمگیری در دنیا پیدا کرده و به نوعی از رادارها اطلاق می‌شود که برای امور نقشه‌برداری و تصویربرداری از سطح زمین به کار می‌روند. معمولاً این فناوری در هواپیماهای شناسایی با اهداف نظامی و غیرنظامی کاربرد دارد. امواج رادیویی این رادار در دفعات بالا با سرعتی زیاد به سطح مورد نظر تابیده شده و پس از بازگشت تصویری دو بعدی از سطح مورد نظر را در اختیار کاربران قرار می‌دهد. کاربرد اصلی این فناوری در امور نظامی و تهیه نقشه از مناطق مختلف است به گونه‌ای که در جدیدترین مدل‌های موجود SAR قابلیت تهیه تصاویری با قدرت تفکیک ۱۰ سانتیمتر وجود دارد». اگر احساس می‌کنید بحث دارد خیلی تخصصی و پیچیده می‌شود و ممکن است من و شما را به سرگیجه دچار کند، بگذارید خیلی ساده توضیح بدهیم که گلوبال هاوک وقتی مثلاً در ارتفاع ۱۸ هزار پایی در حال پرواز است می‌تواند بخش وسیعی از کشور ما را جوری تصویربرداری کند که حتی ردپای یک انسان روی ماسه‌ها و خاک‌های کویر مرکزی در آن مشخص باشد!

SAR ندیده نیستیم

البته این جور هم نیست که تا قبل از اناختن این پهپاد، ایران چیزی درباره این نوع از رادارها ننشیده و ندیده باشد. این آنجایی که رادارهای SAR از جمله تجهیزات سنجنش از دور محسوب می‌شوند، ایران در سال‌های گذشته نیز قدم‌های برای ساخت این نمونه از رادارها برداشته که از جمله آن‌ها ساخت یک نمونه رادار SAR هواپایه توسط پژوهشگاه فضایی ایران است. نمونه دیگر آن هم رادار «ایصار» است که برای مصارف نظامی در کشورمان توسعه داده شده و از آن استفاده می‌شود. اما اطلاعاتی که به‌تازگی منتشر شده‌اند، حکایت از این دارند که «رادار AN-ZPY ۳-» که از این پرنده ساقط شده بدست آمده یک رادار چند منظوره فعال (MFASR) باند X ساخت شرکت سازنده پهپاد ترایتون یعنی Northrop Gruman است که به عنوان رادار اصلی این پهپاد به

منظور نظارت بسر عملیات دریایی و شناسایی اهداف سطحی در دریا عمل می‌کند. این رادار که به دلیل اسکن الکترونیکی و همچنین چرخش مکانیکی آن قادر به پوشش ۳۶۰ درجه اطراف خود است، می‌تواند منطقه وسیعی را در دریا و یا خشکی اسکن و نقشه‌برداری کند که بنابر ادعای شرکت سازنده در کاتالوگ مربوط به این هواپیما می‌تواند در یک روز منطقه‌ای را به وسعت ۳۶ میلیون مایل مربع اسکن و نقشه‌برداری کند».

قطب این نیست

همه این‌ها خبرها و اطلاعاتی بود که ۲۰ بهمن ماه منتشر شد. اطلاعات جدیدتری که به فاصله سه یا چهار روز بعد، روی خروجی خبرگزاری‌ها آمد، نشان می‌دهد تجهیزات بدست آمده از پهپاد آمریکایی فقط همین رادار عجیب و غریب نیست. «شرق» در این باره نوشت: «از دیگر قطعات بدست آمده از این پهپاد، چندین واحد الکترونیکی کنترل و پردازش از جمله سوپر کمپیوتر و پردازنده اصلی ترایتون است. منبع تغذیه ولتاژ بالا، مودم لینک دید مستقیم، واحد حسگرهای الکترونیک، واحد مدیریت محموله و مودم لینک ماهواره‌ای هم هستند که هر کدام از آن‌ها به دلیل برخورداری از فناوری ساخت بالا، قطعاتی ارزشمند و یا به تعبیر فرمانده نیروی هوافضای سپاه یک «گنج» محسوب می‌شوند که اطلاعات آن‌ها قابل بهره‌برداری است». به علاوه این‌ها اضافه کنید آرایه‌های فرود و چرخ‌های پهپاد را گویا کلاً سالم مانده‌اند.

در ضمن قسمت‌هایی از واحد کنترل ترمز آن هم که وظیفه تنظیم فشار ترمز و کاهش سرعت هواپیما پس از فرود بر زمین را دارد سالم به دست برو بچه‌های سپاه افتاده است.

اما موتور

از همه مهم‌تر موتور خاص پهپاد آمریکایی است که وقتی آن را کنار دیگر تجهیزات پیدا شده قرار می‌دهیم، شاید روزی امکان مهندسی معکوس پهپاد گلوبال هاوک را به متخصصان کشورمان بدهد. خبرگزاری‌ها در این باره نوشتند: «بر اساس یک تصویر گرافیکی منتشر شده از قطعات جدید این پهپاد، یکی از حیاتی‌ترین تجهیزات آن که اکنون در اختیار نیروی هوافضای سپاه قرار دارد، موتور توربوفن AE۳۰۰VH است.

این موتور توربوفن ساخت کمپانی Rolls-Royce آمریکا که این نمونه خاص آن مخصوص پهپادهای خانواده گلوبال هاوک توسعه یافته است، قابلیت پرواز طولانی مدت در ارتفاع ۷۰ هزار پا (بیش از ۲۱ کیلومتر) دارد که نخستین تست آن در این ارتفاع در سال ۱۹۹۶ میلادی انجام شده است. این موتور توان ایجاد ۵۸۰۰ پوند قدرت خروجی را دارد و از نوع High Bypass است که توان تولید مقدار بیشتری نیروی تراست را نسبت به موتورهای Low Bypass دارد. در این موتور ۲۹۲ سانتیمتر طول، ۹۸ سانتیمتر قطر و کمپرسور آن ۱۴ مرحله فشار قوی است. این مدل از موتورهای هوایی که تاکنون بیش از ۳۴۰۰ فروند از آن تولید شده است و بیش از ۳۳ میلیون ساعت پرواز مطمئن را ثبت کرده است، نمونه‌های مختلف آن علاوه بر نصب روی پهپادهای خانواده گلوبال هاوک، روی جت‌های امبراز-۱۴۵ و یک نمونه از جت‌های کمپانی سسنا نیز نصب شده است». با توجه به آنچه گفتیم و دیگران گفتند آیا به نظر شما باید منتظر بود که متخصصان کشورمان چند سال دیگر با مهندسی معکوس، نسخه ایرانی گلوبال هاوک را رونمایي کنند؟

مجاز آباد

روز مادر شهید



محمد پازوکی، یکی از فعالان حوزه فضای مجازی، همزمان با روز مادر، تصویری از یک مادر شهید را در توئیترش منتشر کرد و در ارتباط با این تصویر نوشت: «این درخت رو پسرش ۳۳ سال پیش توی حیاط خونه کاشت. ۳۳ ساله که زیر این درخت می‌خوابه. روز درخت زندگی می‌کنه... روز مادر شهیدی که فقط یک درخت از پسرش یادگاری داره هم مبارک».

روی قوالم هستم



علیرضا بیرانوند دروازه‌بان تیم ملی کشورمان و تیم پرسپولیس، در واکنش به حواشی مربوط به جدایش از پرسپولیس، با انتشار پستی در صفحه اینستاگرامش نوشت: «هوادارهای عزیزم مطمئن باشید اگر که قرار بدهم برای آینده حرفه‌ای من اتفاقی رخ بدهد، با قهرمانی پرسپولیس در لیگ برتر و صعود به دور دوم لیگ‌قهرمانان آسیا همراه خواهد بود. من همیشه اگر حرف زدم، روی حرف و قوالم به شما صاحبان اصلی پرسپولیس بوده و هستم. تا همیشه دوستان دارم».

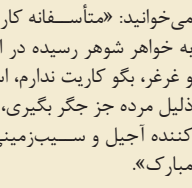
هواخوری پس از ۱۰ روز

علیرضا وهاب‌زاده، خبرنگار حوزه سلامت که در محل قرنطینه دانشجویان بازگشته از ووهان چین به سر می‌برد، با انتشار تصویری از هواخوری این دانشجویان پس از ۱۰ روز قرنطینه در ایران، در توئیترش نوشت: «هواخوری بعد از ۱۰ روز قرنطینه کرونا، این بچه‌ها دو هفته در سخت‌ترین شرایط در چین با استرس و نگرانی مرگ و زندگی قرنطینه بودند اما پس از ۱۰ روز قرنطینه در ایران هیچ اثری از نگرانی و اضطراب‌های روزهای اول نیست و خداروشکر در بهترین وضعیت روحی هستند».

نقطه زن با دمپایی



هرچند کاربران فضای مجازی، دیروز هشتگ #روز-مادر را در توئیتر فارسی داغ کردند، اما این هشتک پس از گذشت چند ساعت، تبدیل به بستری برای شوخی‌های توئیتری کاربران با مادرانشان شد که در ادامه چند نمونه از این توئیته‌ها را



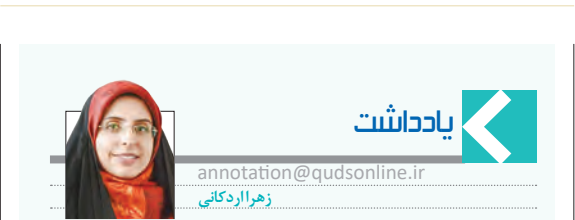
می‌خوانید: «متأسفانه کار از تیریک روز مادر به مادرشوهر گذشته و به خواهر شوهر رسیده در استوری‌های اینستاگرام... روز سلاطین گیر و غرغ، بگو کاریت ندارم، اساتید نقطه زن با دمپایی، ناطقین جمله ذلیل مرده جز جگر بگیري، جابه‌جا کننده‌های وسایل شخصی، قایم کننده آجیل و سیب‌زمینی سرخ کرده، روز قلب خداوند روی زمین مبارک».

فکرانزنگر

سینما و سینما

یکشنبه ۲۷ بهمن ۱۳۹۸

۱۲ ۲۱ جمادی الثانی ۱۴۴۱ | ۱۶ فوریه ۲۰۲۰ | سال سی و سوم | شماره ۹۱۸۶



نگاهی به جشنواره فجر ۳۸

چرخش از طبقه متوسط به طبقه پایین



جشنواره فیلم فجر امسال بیش از سال‌های گذشته شاهد فیلم‌هایی بود که به زندگی طبقات پایین اجتماعی می‌پردازند. بیشتر از دو سوم از فیلم‌های حاضر در فجر ۳۸ حول مسائل و داستان‌های این طبقه روایت می‌شود. این چرخش سینمایی ایران از طبقه متوسط به طبقه پایین می‌تواند به لحاظ اجتماعی و فرهنگی کاملاً معنادار باشد. طبق نظریه بازنمایی در حوزه مطالعات سینما، سینما بازنمایی‌کننده آن چیزی است که در متن واقعی جامعه رخ می‌دهد. بازنمایی، روایت شخصی فیلمساز است از آنچه در جامعه رخ می‌دهد یا جامعه از زاویه دید فیلمساز، بنابراین بازنمایی بخش‌هایی از واقعیت را دارد، اما واقعیتی است که فیلمساز می‌فهمد و تصویر می‌کند.

بحران‌های اقتصادی چند سال گذشته کشور بیش از پیش موجب از بین رفتن طبقه متوسط و گسترده و بزرگ شدن طبقه پایین شده است. سینما نیز از این تغییرات متأثر بوده و این اثرپذیری را در حرکت از فیلم‌های اجتماعی با محوریت زندگی طبقه متوسط به سمت فیلم‌هایی با توجه و تمرکز بر زندگی طبقه پایین اجتماعی نشان داده است. در این برهه از زمان، سینما به ابزار و تریبونی برای بازنمایی و نشان دادن زندگی، مصائب ورنج‌های طبقات پایین اجتماعی تبدیل شده است.

در نقطه مقابل سینما نیز می‌تواند بر جامعه و شکل‌گیری ناخودآگاه جمعی ما تأثیر داشته باشد. سینما با تصویری که از ما به ما ارائه می‌دهد، دوباره ما را و ذهنیت جمعی‌مان را می‌سازد. زمانی که سینما زندگی طبقات پایین اجتماعی را سورهٔ خودش می‌کند، نوعی خودآگاهی تازه نسبت به این طبقه در جامعه شکل می‌گیرد. از این جهت بررسی و تحلیل اینکه سینما چطور این طبقه را نشان می‌دهد و تصویر می‌کند حایز اهمیت است. در این یادداشت قصد دارم توصیفی کلی از تصویری که در جشنواره فجر امسال در ۱۰ فیلم از طبقه پایین اجتماعی و مسائل آن ارائه شده، داشته باشم. «سه کام‌جیس» سامان سالور، «قصیده گاو سفید» بهتاش صناعی‌ها، «شنای پروانه» محمد کارت، «تومان» مرضی فرشپاف، «وزیست» پروژ نیک‌نژاد، «کشتارگاه» عباس امینی، «مردن در آب مطهر» برادران محمودی، «خروج» ابراهیم حاتم‌ی کیا، «خورشید» مجید مجیدی، «خون‌شد» مسعود کیمیایی و «تا حدودی

مغز استخوان» حمیدرضا قربانی همگی دغدغه این طبقه را دارند. البته همه این فیلم‌ها یک نوع نگاه به طبقه پایین ندارند. شاید بتوان گفت دو نوع دیدگاه متفاوت در این فیلم‌ها به چشم می‌خورد. بخشی از آن‌ها در عین حال که زندگی طبقات پایین اجتماعی را سورهٔ خود کرده‌اند، اما این افراد را قربانی محض شرایط نمی‌دانند، بلکه آن‌ها را افراد فعالی تصور می‌کنند که برای تغییر شرایط و سرنوشت خود دست به کار می‌شوند و تلاش می‌کنند. حاتم‌ی کیا در «خروج» اعتراض کشاورزان ستمدیده را به رئیس‌جمهور می‌برد. کیمیایی در «خون‌شد»، در مقابل ظلم‌ها می‌ایستد و خانه (وطن) و خانواده‌اش را حفظ می‌کند. مجید مجیدی در «خورشید»، نوجوان داستان را به تلاش و رسیدن به باور و آگاهی تازه از خودش و توانمندیش هایش می‌کناند.

اما باقی فیلم‌ها، افراد این طبقه را اسیر شرایط می‌دانند، اسیرانی که راه برون‌رفتی از سسایه و تبااهی زندگی‌شان ندارند. تمام طول فیلم مرثیه‌سرای غم‌آلود فیلمساز است، برای مردم این طبقه. مردمی که گرفتار اعتیاد، جنایت، فقر و قتل هستند. زندگی آن‌ها در فضایی چرک و کثیف نشان داده می‌شود. رنگ‌های به کار رفته و میزانش‌ها نوعی تیرگی و ناامیدی را به تصویر می‌کشند. فضایی که نشانی از زندگی و شادایی ندارد. این فضاسازی مستند ترس، جنایت و دلهره است. آدم‌ها در این فیلم‌ها با جنایتکار و یا قربانی هستند. چنین تصویری از طبقات پایین اجتماع که در سه‌کام جیس، شنای پروانه، دو زیست، مردن در آب مطهر و کشتارگاه می‌بینیم، شاید منصفانه نباشد، چرا که افراد شریفی که در این طبقه اجتماعی با سلامت و کرامت زندگی می‌کنند را نادیده می‌گیرد. افراد در این فیلم‌ها نسبت به یکدیگر بی‌رحم و ناجوانمرد هستند. دروغ و دورویی شیوه اصلی زیست آن‌هاست. این تصویری است که از ساکنان حاشیه شهر و طبقات پایین اجتماعی نمایش داده می‌شود. آن‌ها بلندپرواز و به دنبال یک‌شبه پولدار شدن هستند و برای این امر به هر جنایت و ظلمی نسبت به همدیگر و حتی خانواده خود دست می‌زنند. نکته قابل توجه این است که نحوه مواجهه این فیلم‌ها با مسائل و معضلات طبقات پایین اجتماعی، مواجهه‌ای فردی و اخلاقی است. به این معنا که مقصر اصلی در داستان‌ها خود فرد و بی‌اخلاقی‌اش است. فیلم این‌طور القا می‌کند اگر افراد اخلاقی‌مدارتر نباشند، مشکلات حل نمی‌شوند. اگر گنده‌لات‌ها در «شنای پروانه» کمتر طمع کنند، اگر «وزیست‌ها» یک‌ترگ نباشند، اگر مرد داستان «سه کام جیس» بیشتر به فکر خانواده‌اش باشد و کمتر طمع کند، اوضاع درست می‌شود. این فیلم‌ها بستر اجتماعی و تأثیر تبعیضات و ناکارآمدی‌های اجتماعی و سیاسی را بر رفتار و کنش‌های شخصیت‌ها نادیده می‌گیرند. بستر زیست در طبقات پایین، ملتهب و آماده بروز بی‌اخلاقی‌های بیشتر است. در چنین بستری، اینکه صرفاً پیشنهادات اخلاقی داده شود (یا حتی در فیلم‌هایی مثل سه کام جیس و مردن در آب مطهر همان پیشنهاد اخلاقی هم طرح نشود)، راهگشا نخواهد بود و به معنای نادیده گرفتن بخش بزرگی از مسائل است.

تقلیل دادن مشکلات و بدبختی‌های طبقه پایین به جنبه‌های فردی و اخلاقی نوعی جفا به آن‌هاست. فیلم باید شرح دهد که چه شرایطی و چه بستر اجتماعی این افراد را به سمت بی‌اخلاقی پیش می‌برد و آن را نقد کند. به طور کلی می‌توان گفت این فیلم‌ها نقدی بر نظم اجتماعی موجود نیستند، بلکه صرفاً نقدی بر بی‌اخلاقی‌های شخصی هستند. در نتیجه می‌توان گفت فیلم‌سازان در عین حال که از پرداختن به مسائل طبقه متوسط به مسائل طبقات پایین اجتماعی چرخش داشته‌اند، اما نحوه مواجهه آن‌ها با معضلات این طبقه شبیه طبقه متوسط است. فیلمساز قصه طبقه پایین را بر فرم طبقه متوسط روایت می‌کند و این نشان می‌دهد درست است سینمای امسال چرخشی به سمت طبقات پایین داشته، اما نوع نگاه و نوع آسیب‌شناسی‌اش، همچنان سبک طبقه متوسطی است!

بررسی کارنامه سی وهشتمین جشنواره فیلم فجر از نگاه منتقدان سینمایی

سینما جایی برای گفت‌وگو است نه قهر کردن

اسیما و سینما/ زهره کهندل |جشنواره فیلم فجر در سی وهشتمین دوره برگزاری خود، هفته گذشته به ایستگاه پایانی رسید، اما حواشی آن همچنان ادامه دارد. از نادیده گرفتن برخی فیلم‌ها در میان نامزدها بگیریم تا حضور نیافتن عوامل فیلم «روز صفر» در مراسم اختتامیه با وجود برگزیده شدن در پنج رشته، اختتامیه جشنواره فیلم فجر امسال کم‌حاشیه نبود و نظرات موافق و مخالف عده‌ای را نسبت به انتخاب برندگان سیمرخ در بخش‌های مختلف در پی داشت. درباره کم و کیف برگزاری این دوره از جشنواره فیلم فجر با دو صاحب‌نظر حوزه سینما گفت‌وگو کردیم. رضا صائمی، منتقد سینمایی درباره کیفیت داوری‌های این دوره می‌گوید: باید بپذیریم داوری در هر جای دنیا نسبی است و نسبت به هر داوری، نقدی وجود دارد. ما هیچ داوری عادلانه مطلق نداریم. اگرچه کلیت اهدای جوایز خیلی دور از ذهن نبود، حتی اعلام فهرست نامزدها که اسامی قابل قبولی در بخش‌های مختلف اعلام شدند، اما در اهدای سیمرخ، سلیقه‌ها متفاوت است.

نادیده گرفتن جوادعزتی

ایمن منتقد سینما با اشاره به فقدان برخی اسامی در میان نامزدهای بخش‌های مختلف می‌گوید: جای جوادعزتی در «شنای پروانه» و هادی

حجازی‌فر در «آتابای» با وجود بازی‌های بسیار خوبی که داشتند، در فهرست نامزدهای بهترین بازیگر مرد خالی بود. با وجود اینکه عزتی با پنج فیلم از پرکارترین بازیگران بوده، ولی در «شنای پروانه» خیلی خوب درخشید، حتی اگر سیمرخ نمی‌گرفت باید نامش در میان نامزدهای بهترین بازیگر مرد می‌بود.

به گفته وی، رقابت در این بخش بسیار دشوار بود چون بازی‌های خوبی را از پیمان‌مدادی، امیرجدیدی و حتی فرامرز قریبان شاهد بودیم. اگرچه پیش‌بینی می‌شد سیمرخ به این بازیگر برسد، اما هیئت‌انتخاب، بازی چشمگیر پیمان‌مدای را در «درخت گردو» نادیده نگرفتند و سیمرخ را به او دادند، اما بهتر بود با یک دیپلیم افتخار از قریبیان به عنوان بازیگر پیشکسوتی که پس از سال‌ها با نقشی متفاوت ظاهر شد و از دنیای بازیگری هم خداحافظی کرده، قدردانی می‌کردند.

وی درباره بخش انتخاب بهترین بازیگر زن می‌گوید: معمولاً در جشنواره فیلم فجر، نقش‌های برون‌گرا

و ملتهب با ایفای نقش یک معتناد یا خلافکار با بازی‌های گل‌درشت مورد توجه قرار می‌گیرند در حالی که بازی‌های درون‌گرا، نقش‌آفرینی دشوارتری دارند، چون بازیگر باید به شخصیت برسد و تلاش این نقش‌آفرینی‌ها معمولاً کمتر به چشم می‌آید. ولی در انتخاب‌های امسال دیده شدند و مریم مقدم و نازنین احمدی در میان نامزدهای بهترین بازیگر زن بودند که یکی از آن‌ها سیمرخ گرفت. به نظر معیارهای انتخاب در این بخش به استانداردهای بازیگری نزدیک‌تر شده بود. صائمی معتقد است: جای جوادعزتی در «شنای پروانه» و هادی حجازی‌فر در «آتابای» در میان نامزدهای بهترین بازیگر مرد خالی بود، حتی تلاش حجازی‌فر در بخش فیلم‌نامه هم دیده نشد. وی ادامه می‌دهد: شاید یکی از دلایلی که فیلم‌ها و فیلم‌نامه‌هایی مانند آتابای دیده نشدند به خاطر بومی بودن آن‌هاست. گویی تولیدات بومی و غیرفارسی زبان، موجب جدی‌نگرفتن آن‌ها می‌شود.

سینما جای قهر کردن نیست

صائمی درباره تحریم جشنواره از سوی عده معدودی از سینماگران همچون پیمان‌مدای می‌گوید: به

و ملتهب با ایفای نقش یک معتناد یا خلافکار با بازی‌های گل‌درشت مورد توجه قرار می‌گیرند در حالی که بازی‌های درون‌گرا، نقش‌آفرینی دشوارتری دارند، چون بازیگر باید به شخصیت برسد و تلاش این نقش‌آفرینی‌ها معمولاً کمتر به چشم می‌آید. ولی در انتخاب‌های امسال دیده شدند و مریم مقدم و نازنین احمدی در میان نامزدهای بهترین بازیگر زن بودند که یکی از آن‌ها سیمرخ گرفت. به نظر معیارهای انتخاب در این بخش به استانداردهای بازیگری نزدیک‌تر شده بود. صائمی معتقد است: جای جوادعزتی در «شنای پروانه» و هادی حجازی‌فر در «آتابای» در میان نامزدهای بهترین بازیگر مرد خالی بود، حتی تلاش حجازی‌فر در بخش فیلم‌نامه هم دیده نشد. وی ادامه می‌دهد: شاید یکی از دلایلی که فیلم‌ها و فیلم‌نامه‌هایی مانند آتابای دیده نشدند به خاطر بومی بودن آن‌هاست. گویی تولیدات بومی و غیرفارسی زبان، موجب جدی‌نگرفتن آن‌ها می‌شود.

وی درباره حضور نیافتن عوامل فیلم «روزصفر» در مراسم اختتامیه به دلایل اعلام شده از سوی ملکان که گفته بود «به نشانه اعتراض نسبت به داوری و کاندیدا شدن برخی افراد معترض یا قهرکننده با جشنواره و پذیرفته شدن فیلم «خورشید» در بخش داوری با وجود دیر رسیدن آن، در مراسم اختتامیه شرکت نمی‌کنیم» معتقد است: سینما جای قهر کردن نیست، جای گفت‌وگوست.

صائمی اضافه می‌کند: وقتی از سینما و هنر صحبت می‌کنیم، باب‌گفت‌وگوباز می‌شود تا رویکرد قهرآمیز. اگر سعید ملکان در مراسم اختتامیه حضور می‌یافت و اعتراض‌اش را پشت تریبون اعلام می‌کرد، تأثیر بهتری داشت تا اینکه عوامل فیلم به صورت گروهی در این مراسم حضور پیدا نکنند. به جای عدم حضور باید



نظرم این بازیگر جشنواره را تحریم نکرده بود و کسی را هم تشویق به حضور نیافتن نکرد، بلکه حال شخصی خودش را توصیف کرده بود. ضمن اینکه حال شخصی او ربطی به کیفیت بازیگری‌اش ندارد. امسال داوران در این بخش بدون توجه به عوامل فرامنتی، نگاهی تخصصی داشته و به کیفیت بازی‌ها رأی دادند.

وی درباره کیفیت فیلم‌های این دوره از جشنواره می‌گوید: عاقدہ مشخصی در جشنواره فیلم فجر وجود دارد که هر سال تکرار می‌شود. براساس این قاعده با کلی فیلم ضعیف، تعدادی فیلم متوسط و معدود فیلم خوب روبه‌رو هستیم. در تمام سال‌های جشنواره تعداد انگشت‌شمار ی فیلم خوب و قابل بحث وجود داشت.

به‌باور این منتقد سینمایی، مضامین فیلم‌های امسال کمی تلخ‌تر بود، اما با وجود اینکه سال گذشته فیلم‌های کم‌دی و تجاری زیاد داشتیم، ولی فیلم اجتماعی تلخی همچون «متری شیش و نیم» که بهترین فیلم جشنواره فیلم فجر سال گذشته بود، فروش بسیار خوبی در گیشه داشت. این فروش نشان داد که «اتر» قشبی در گیشه ندارد بلکه «فیلم خوب» میزان استقبال مخاطب را تعیین می‌کند.

ژانر نقش‌ی در گیشه ندارد

وی درباره کیفیت فیلم‌های این دوره از جشنواره می‌گوید: عاقدہ مشخصی در جشنواره فیلم فجر وجود دارد که هر سال تکرار می‌شود. براساس این قاعده با کلی فیلم ضعیف، تعدادی فیلم متوسط و معدود فیلم خوب روبه‌رو هستیم. در تمام سال‌های جشنواره تعداد انگشت‌شمار ی فیلم خوب و قابل بحث وجود داشت. به‌باور این منتقد سینمایی، مضامین فیلم‌های امسال کمی تلخ‌تر بود، اما با وجود اینکه سال گذشته فیلم‌های کم‌دی و تجاری زیاد داشتیم، ولی فیلم اجتماعی تلخی همچون «متری شیش و نیم» که بهترین فیلم جشنواره فیلم فجر سال گذشته بود، فروش بسیار خوبی در گیشه داشت. این فروش نشان داد که «اتر» قشبی در گیشه ندارد بلکه «فیلم خوب» میزان استقبال مخاطب را تعیین می‌کند.

سینما

قرعه‌کشی اکران موقتاً به‌نفع سینماست

امیدهای «فجر ۳۸» در اکران ۹۹



مهر: علی سرتیپی، مدیرعامل شرکت بخش «فیلمیران» گفت: قرعه‌کشی اکران می‌تواند به نفع شرایط فعلی سینما باشد. علی سرتیپی، تهیه‌کننده سینما و مدیرعامل شرکت بخش «فیلمیران» گفت: خوش‌یختانه در سی‌وهشتمین جشنواره فجر فیلم‌های خوبی داشتیم و واقعاً امیدوارم که اکران خوبی هم در سال آینده داشته باشیم.

وی بیان کرد: این دوره از جشنواره، جشنواره بدی نبود و در آن فیلم‌های قابل‌توجهی از جمله «خوب، بد، جلف ۲: ارتش‌سری»، «درخت گردو»، «خروج»، «شنای پروانه»، «روز صفر»، «پادان یازده ۶۰» و «روز بلوا» از جمله فیلم‌هایی بودند که می‌توانند در اکران جواب مناسبی از مخاطب بگیرند

و مخاطب را به سینما بکشانند. این تهیه‌کننده سینما تأکید کرد: البته خارج از فیلم‌های حاضر در جشنواره نیز، تعدادی فیلم هست که آن‌ها هم آثار خیلی خوبی هستند و می‌توانند در اکران مورد استقبال قرار گیرند. در نتیجه اگر سیاست‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به خوبی اجرایی شود، می‌توانیم شاهد اکران‌های خوب باشیم. وی ادامه داد: شاید کار درستی نیست، اما می‌تواند برای مدت کوتاهی قابل‌قبول باشد

گزارش اکران

وضعیت گیشه در هفته کم‌رونق سینمای ایران

«جهان با من برقص» در صدر



سینماپرس: در هفته کم‌رونق گیشه‌های سینمای ایران، دو فیلم «مطرب» و «جهان با من برقص»، رقابت نزدیکی برای عنوان پر فروش‌ترین فیلم هفته با هم داشتند. براساس آمار و اطلاعات ارائه‌شده در سامانه فروش سینمای ایران، در هفته‌ای که گذشت (۱۸) تا ۲۵ بهمن ماه (۱۳۹۸) گیشه‌سینماهای کشور روزهای کم‌رونقی را پشت سر گذاشتند. براساس این گزارش، دو هفته پیش و در بازه زمانی یازدهم تا هجدهم بهمن‌ماه، ۴۳۰ هزار تماشاگر به سالن‌های سینما رفتند تا مجموع فروش سینماهای کشور در آن هفته به ۴ میلیارد و ۷۷۵ میلیون تومان برسد، این رقم در هفته گذشته با حدود ۴۰ درصد کاهش همراه بود.

از هجدهم بهمن تا بیش از ظهر (۲۵ بهمن) مجموع فروش سینماهای کشور به رقم ۳ میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان رسید. این میزان فروش حاصل حضور ۲۷۲ هزار مخاطب در سالن‌های سینماست.بخشی از این کاهش، آمار تماشاگران را می‌توان به برگزاری جشنواره فیلم فجر و درگیر بودن مخاطبان با این جشنواره دانست. به همین دلیل است که به‌طور معمول بازه زمانی بهمن ماه تا نیمه‌اسفند روزهای مرده اکران سینمای ایران به حساب می‌آیند.

در هفته گذشته فیلم «جهان با من برقص» به کارگردانی سروش صحت با ۷۱۷ میلیون تومان پر فروش‌ترین فیلم هفته بود. با فاصله‌ای بسیار نزدیک از این اثر «مطرب» به کارگردانی مصطفی کیایی با ۷۱۵ میلیون تومان فروش قرار دارد. مجموع فروش فیلم مطرب به ۳۷۰ میلیارد و ۷۵۰ میلیون تومان رسیده و در آستانه رسیدن به رکورد فروش فیلم «هزارپا» به عنوان پر فروش‌ترین فیلم تاریخ سینمای ایران است. فیلم سینمایی هزارپا به کارگردانی ابوالحسن داوودی سال گذشته ۲۸ میلیارد و ۴۸ میلیون تومان فروش را تجربه کرد. کم‌دی «زیر نظر» به کارگردانی مجید صالحی با رقم ۵۰۷ میلیون تومان سوسومین فیلم پر فروش هفته است و «چشم و گوش بسته» دیگر کم‌دی این روزهای سینمای ایران با ۴۰۰

♦ **جهان با من برقص / ۷۱۷ میلیون تومان**

♦ **مطرب / ۷۱۵ میلیون تومان**

♦ **زیر نظر / ۵۰۷ میلیون تومان**

♦ **چشم و گوش بسته / ۴۰۰ میلیون تومان**

♦ **۲۳ نفر / ۱۶۰ میلیون تومان**

♦ **جان‌دار / ۱۲۲ میلیون تومان**

♦ **منطقه پرواز ممنوع / ۹۴ میلیون تومان**

♦ **ازد / ۵۸ میلیون تومان**

♦ **یادم تو را فراموش / ۱۸ میلیون تومان**

♦ **امیر / ۱۷ میلیون تومان**

♦ **آشفته‌گی / ۸ میلیون تومان**

♦ **بی‌وزنی / ۸ میلیون تومان**

♦ **قطار آن شب / ۷ میلیون تومان**

♦ **دونت / ۶ میلیون تومان**

♦ **اولین امضا برای رعنا / یک میلیون تومان**